

شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد محمد ویسی^۱، زهرا علی پوردرویشی*^۲، بهرام قدیم^۳، کاوه خبیری^۴، شهلا حجت^۵

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی با رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد است. پژوهش از نوع کیفی و بر پایه پارادایم تفسیری می‌باشد. در این راستا با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته صورت گرفته با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، مدیریت‌ورزشی و رفتار حرکتی داده‌های کیفی جمع‌آوری گردید، که ملاک اتمام مصاحبه‌ها اشباع نظری بود. داده‌های کیفی با مجموعه‌ای از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفت و براساس کدهای تولید شده مدل پارادایمی تربیت‌ورزشی تدوین شد. اعتبار نتایج در دو بخش، تاییدپذیری و اعتبارسنجی مورد بررسی قرار گرفت، تاییدپذیری (ارزیابی چند تن از متخصصان خارج از فرایند پژوهش، با بازبینی و اصلاح) و فرایند اعتبارسنجی به وسیله ارزیابی مشارکت‌کنندگان در تحقیق مورد تایید واقع شد. براساس نتایج، مدل تربیت‌ورزشی علاوه بر شرایط علی (همکاری، سازگاری، مخالف و توافق)؛ عوامل زمینه‌ای (فردی و اجتماعی) و عوامل مداخله‌گر (زیرساخت فیزیکی و آموزشی) را نیز در تربیت‌ورزشی مهم می‌داند، که در نهایت پیامدهایی همچون کاهش شکاف میان دو واژه تربیت بدنی و ورزش شده است.

واژگان کلیدی: تربیت‌ورزشی، مولفه‌های جامعه‌شناختی، مدل پارادایمی

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی ورزش، گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. (استاد راهنمای اول و نویسنده مسئول).

(shwan.hawram@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (استاد راهنمای دوم).

^۴ گروه جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (مشاور اول)

^۵ دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، البرز، ایران. (مشاور دوم)

مقدمه

تعیین حدود دقیق معنای ورزش در اجتماع امری مشکل است، اکثر مولفان عقیده دارند که ورزش در عین حال پدیده‌ای اجتماعی قابل فهم برای عموم است، به همان نسبت شرح درست و دقیق آن متخصصان را دچار مشکل می‌کند (توماس، ۲۰۱۴: ۱۸). یونسکو، ورزش را هر نوع فعالیت جسمی که مشخصه بارزی داشته باشد و مستلزم مبارزه با خود، با دیگران یا مواجه شدن با پدیده‌های طبیعی باشد تعریف می‌کند. برخی اندیشمندان ورزشی، ورزش را نوعی فعالیت رقابتی بین افراد می‌دانند که بر اساس مهارت‌های جسمانی استوار است و در بردارنده پاداش درونی و بیرونی می‌باشد (۱) (اشراقی و محمدی، ۱۳۹۶). از طرفی ورزش یکی از رموز سلامت جسمانی و روانی است. ورزش موجب تقویت اعتماد به نفس در فرد شده، او را متعادل، متفکر و سازگار با محیط می‌کند. با ورزش، شخص کمتر دچار حسادت، حقارت و ستیزه جویی می‌شود و در نتیجه از سلامت روانی بهتری برخوردار خواهد بود (۳) (توسلی، ۱۳۹۴: ۲۹). یک تعریف جامع و کامل از تربیت نیز قدری مشکل به نظر می‌رسد. تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد (۷) (معیدفر، ۱۳۹۳: ۲۷۳). پیتر بلاو^۱ در کتاب قدرت در زندگی اجتماعی، عقیده دارد که تربیت مستلزم انتقال ارزش‌هایی است که افرادی آن‌ها را پذیرفته‌اند و می‌خواهند به دیگران منتقل نمایند. در ادامه امیل دورکیم^۲ در کتاب سوسیالیسم، اعتقاد دارد که: تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی بر روی هم و نیز در محیط ویژه‌ای که کنشگر به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کنند (مهدوی و ظهیری، ۱۳۹۲: ۲۲). تربیت در طول تاریخ از چهار طریق مختلف: تربیت بصورت عملی (بدنی)، تربیت تئوریک (عقلی)، تربیت روحی (قلبی) و تربیت ترکیبی (ترکیبی از سه روش قبل) انجام شده است (۴) (دلاور، ۱۳۹۰: ۸۶). البته جدا سازی کامل تربیت‌ها بخصوص تربیت جسمانی و روحانی در فرد، مشکل بوده و زمینه ساز انحرافات در نظام تربیتی آن جامعه شده است. اما همانطوری که قبلا اشاره شد، زمانی از کلمه تربیت استفاده می‌شود، جدا از اینکه تربیت به کدام شکل و روش انجام گیرد، منظور فعلیت

¹ Piter Blaw

² Émile Durkheim

بخشیدن به کمالی در انسان است که شامل همه ابعاد (جسمی، عقلی و روحی) می‌شود. همانطوری که اشاره شده یکی از روش‌های تربیت، در زمینه فعالیت بدنی بوده است، قدمت تربیت بدنی (تربیت از طریق بدن) به هزاران سال پیش بر می‌گردد، و در این زمینه پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی انجام شده است، این حیطه‌ها شامل: آموزش و پرورش در مدارس، توسعه توانایی‌ها و استعدادها، بهداشت روانی، سرگرمی‌ها، رشد علاقه‌مندی و رهنمونی برای زندگی تحصیلی و شغلی آینده کودکان و نوجوانان بکار رفته است (۲) (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ تجاری و همکاران، ۱۳۹۸). فعالیت‌های بدنی طیف گسترده‌ای دارند که شامل: تمرین^۱، بازی^۲، گیم^۳، تربیت بدنی^۴، ورزش^۵ می‌شوند، که هر کدام مفاهیم متفاوت و جایگاه خاص خود را دارند، تربیت‌بدنی زیر مجموعه نظام آموزشی و ورزش یک پدیده اجتماعی می‌باشد (تجاری و همکاران، ۱۳۹۸؛ قدیمی، ۱۳۹۶). متأسفانه عموم افراد جامعه این دو عبارت و مفهوم کاملاً جدا از هم را بجایی هم‌دیگر استفاده می‌کنند. در سال‌های گذشته واژه‌ای تقریباً نو به این مقولات تحت عنوان تربیت ورزشی^۶ اضافه شده که معنای دقیق آن تربیت از طریق ورزش و محیط‌های ورزشی که لازم است با سایر عبارات اشتباه گرفته نشود (۲۳) (سایدنتاپ^۷، ۲۰۱۴). سایدنتاپ مولفه‌های اولیه و عمومی‌تر تربیت‌ورزشی را شناسایی کرد (گروه‌پذیری، رقابت، سازماندهی سرگرمی، تعاملات اجتماعی، دانش‌آموز محوری و...) و نهایتاً هدف از مطرح کردن این واژه، تخصصی بودن و کاربردی بودن بیشتر آن نسبت به تربیت بدنی بود و همچنین گپ یا شکاف میان دو واژه تربیت‌بدنی و ورزش را کاهش می‌داد و تلفیق این دو در یک قالب که مورد نظر و بحث روز اندیشمندان این عرصه می‌باشد باعث رشد و شکوفایی تربیت بدنی و ورزش آموزشی خواهد شد.

مکاتب و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی مختلفی نیز در مورد نقش ورزش و فعالیت بدنی در اجتماع بوده و وجود دارند: برخی نقش منفی اجتماعی ورزش را بیان می‌کنند مانند دیدگاه تضاد نظریات پل هاج، بر اساس اندیشه‌های کارل مارکس، و ورزش را ابزاری در اختیار سرمایه داری می‌داند، اما

¹ Training

² play

³ Game

⁴ Physical education

⁵ Sports

⁶ Sport education

⁷ Sidentop

اکثر نظریات بر نقش مثبت اجتماعی ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی تاکید دارند: ۱. کنش - متقابل‌نمادی گافمن، بلومر، نظریات مید: سه مرحله پرورش شخصیت در اجتماع را مطرح می‌کند(الف: مرحله آمادگی یا تقلید کورکورانه، ب: مرحله بازی ساده کودکان، پ: مرحله بازی گروهی یا پیچیده و سازمان یافته). ۲ نظریات کلاسیک(کارکردگرایی و کارگردگرایی ساختاری) نظریات اسپنسر و امیل دورکیم، که نقش ورزش را در نظام اجتماعی این چنین بیان می‌کنند: کسب مهارت‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی، دسترسی به فرصت‌ها، رهایی از تنش، سلامت جسمانی، کاهش تضاد، ترویج حس وفاداری، شکل‌گیری هویت فردی، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن، اتحاد و انسجام اجتماعی می‌باشد(۶)(قدیمی، ۱۳۹۵: ۲۸؛ توسلی، ۱۳۹۴). از طرفی هرچه از زمان اولیه سازماندهی فعالیت‌های بدنی به زمان حال نزدیک می‌شویم، تربیت و تربیت بدنی که اصلی‌ترین هدف بزرگان ورزش بود سهم کمتری را در میان سایر آموزش‌های حیطة ورزشی پیدا می‌کند. که این اصلی‌ترین عامل و زمینه‌ساز انحرافات در ورزش بوده است! بطور مثال: هدف از المپیک این بود که، ورزش در خدمت توسعه کمال انسان و در جهت ترویج یک جامعه صلح‌آمیز در رابطه با حفظ کرامت انسانی حرکت کند(۱۵)(کوبرتن^۱، ۱۹۲۵). اما انحرافات در آن شکل گرفت که باعث دوری اهداف از روند کاری المپیک شد، عوامل ایجاد این مشکلات شامل: دخالت سیاست، تحریم‌های پی در پی، سرعت تجاری شدن، استفاده ابزاری از ورزشکاران، تبعیض نژادی، جنسیت و قومیت در عرصه المپیک، رسوایی شخصیت‌های مهم و محوری جنبش المپیک بود(چاتزیفستاتیو دیو^۲، ۲۰۱۶). با نگاهی دقیق‌تر ردپای عدم تربیت مناسب در زمینه آموزش، رشد و توسعه و سایر ابعاد ورزش در تمامی سطوح دیده می‌شود. در این سال‌ها تربیت بدنی چه در مفهوم فلسفی و چه در عمل از ورزش فاصله بیشتر گرفته است، تا حدی که ارتباط آنها و تعامل اولیه میان آنها بسیار ضعیف و ناممکن بنظر می‌رسد. زیرا قوانین و مقررات و نیروهای اجتماعی این دو مفهوم را هر کدام به سمتی سوق می‌دهد، که باعث افزایش این فاصله می‌شود. به‌شکلی که حتی طبق آخرین مصوبه وزارت ورزش و جوانان، تاسیس باشگاه ورزشی باید صرفاً ورزشی بوده و آوردن فعالیت‌های فرهنگی و ثبت‌واژه فرهنگی و آوردن آن در لوگوی باشگاه طبق قوانین، با موانعی روبرو می‌شود! در صورتیکه با ادغام دو وزارتخانه ورزش و جوانان در کشور در سال

¹ Pierre de Coubertin

² Chatziefstathiou Dayu

۱۳۸۹ که یکی از اهداف آن، تأمین سلامتی نسل جوان و توسعه ورزش میان آنها است (سجادی، ۱۳۹۷) می‌بایست نقش تربیت اجتماعی در ورزش بیشتر می‌شود، شاید تحقق این اهداف فقط منوط به همکاری، ادغام و گره خوردن هر چه بیشتر تربیت و ورزش امکان‌پذیر باشد. از طرفی، در عصر حاضر واژه ورزش به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی بیشتر از تربیت بدنی، بر سر زبان افتاده، محبوب‌تر، ملموس‌تر و رایج‌تر بوده و تأثیرات آن در زندگی اجتماعی و شخصی مردم بیشتر شده است. مانند: شرکت‌های بزرگ ورزشی، باشگاه‌های ورزشی ثروتمند، فروشگاه‌های عمده ورزشی، توسعه هر روز ورزش و اضافه شدن ورزشهای جدید، که بیشترین اخبار و رسانه‌های دنیا را بخود اختصاص داده‌اند. شاید با این تفاسیر ارائه واژه ای به نام تربیت‌ورزشی یا تربیت از طریق ورزش بسیار نو، معقول، ضروری و کاربردی باشد. سازندگی جسمی، روانی و از همه مهمتر توسعه بعد اجتماعی انسان از جمله نقش‌های ورزش بحساب می‌آید. فعالیت بدنی و ورزش در مفهوم کلی کلمه، یک پدیده اجتماعی است که با اعتلای آن، روابط افراد جامعه و سلامت جسم و روح آنها استحکام می‌یابد. فعالیتهای ورزشی فرصتی را ایجاد می‌کند که افراد با تعامل یکدیگر هدفها را مشخص می‌کند و وظیفه‌ای را به عهده گرفته و از نتیجه کار گروهی بهرمنند می‌شوند. هرچند ورزش زمانی از سطح همگانی (ورزش‌های خانوادگی، پیاد روی و...) به سمت ورزش حرفه‌ای (باشگاه‌های حرفه‌ای) می‌رود تا حدودی از اخلاقیات فاصله می‌گیرد و برنده شدن و موفقیت در آن حرف اول را می‌زند، اما با بازنگری و تعریف دوباره آن در جامعه شاید این مسیر را کند و یا بتوان آنرا متوقف کرد که جزو اهداف این پژوهش بحساب می‌آید.

در تحقیقات دیگری نیز به برخی از جنبه‌های موضوع پژوهش پرداخته شده است و عوامل فردی، سازمانی و محیطی هدف پژوهش‌های مختلف علوم ورزشی در بخش مدیریت ورزشی بوده است، اما در این میان به عامل اجتماعی کمتر پرداخته شده است. مانند، مطالعه آصفی، خبیری، دسجردی و گودرزی در سال ۱۳۹۳، به این نتایج دست یافتند که ۴ عامل، فردی، اجتماعی، سازمانی و محیطی در نهادینه کردن ورزش در ایران موثرند. در مطالعه مروری دیگر تحت عنوان تربیت و جامعه، به رابطه متقابل تعلیم و تربیت با جامعه می‌پردازد و تربیت را هنر مدیریت انسانی می‌داند که فرد را برای پذیرش یک سری صفات اخلاقی، دینی و عقلانی آماده می‌سازد. جامعه، به معنای وسیع آن شامل تمامی مناسبات اجتماعی میان آدمیان می‌شود (ساعی، ۱۳۹۲: ۲۷). کنیون و مک فرسون، در پژوهشی سه عامل را بعنوان، عوامل فرآیند تربیت اجتماعی دانست که باعث می‌شود تا افراد بتوانند

نقش اجتماعی خود را فرا گیرند: ۱. افراد و مؤسسات اجتماعی (افراد مهم و مؤثر) ۲. وضعیت‌های- اجتماعی. ۳. خصلت‌های شخصی (کنیون و مک فرسون، ۲۰۱۲). که این پژوهش نقش نهادهای آموزشی ورزشی را در فرایند اجتماعی‌شدن برجسته تر می‌کند. در مقاله تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت را شرط ضروری برای شکل‌دهی به هستی اجتماعی قلمداد می‌کند. جامعه، با تعلیم و تربیت، کودک را برای تلفیق موفق با جامعه راه می‌اندازد. حال، با به رسمیت شناختن مسائل اجتماعی دنیای مدرن، تعلیم و تربیت باید بتواند فردیت مستقل را در کنار وجدان جمعی جدید ارتقاء دهد که نمی‌دهد، و جامعه‌شناسی متکفل این ترمیم این وضع است (۱۶) (دورکیم، ۱۹۲۲: ۲۳۸). همچنین در پژوهشی مروری تحت عنوان جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت دانشی است که جنبه‌های گوناگون تعلیم و تربیت جامعه را مطالعه و بررسی می‌کند و پدیده‌های مختلف اجتماعی مؤثر در تعلیم و تربیت را تفسیر می‌کند و به عبارت دیگر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت علمی است که رابطه حیات اجتماعی را با تعلیم و تربیت بررسی می‌کند. موضوعاتی که در جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد شامل موضوعاتی است مانند جامعه، فرهنگ، تعلیم و تربیت، معلم، تحولات اقتصادی، تحولات اجتماعی و موضوعاتی که در این مقوله جای می‌گیرد. بنابراین دیدگاهها و نظریات گوناگون در جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت مطرح می‌شود.

مکاتب و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی مختلفی نیز در مورد نقش ورزش و فعالیت بدنی در اجتماع بوده و وجود دارند: برخی نقش منفی اجتماعی ورزش را بیان می‌کنند مانند: دیدگاه تضاد مانند نظریات پل هاج، بر اساس اندیشه‌های کارل مارکس، و ورزش را ابزاری در اختیار سرمایه داری می‌داند، اما اکثر نظریات بر نقش مثبت اجتماعی ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی تاکید دارند: ۱. کنش- متقابل‌نمادی گافمن، بلومر، نظریات مید: سه مرحله پرورش شخصیت در اجتماع را مطرح می- کند (الف: مرحله آمادگی یا تقلید کورکورانه، ب: مرحله بازی ساده کودکانه، پ: مرحله بازی گروهی یا پیچیده و سازمان یافته). ۲ نظریات کلاسیک (کارکردگرایی و کارگردگرایی ساختاری) نظریات اسپنسر و امیل دورکیم، که نقش ورزش را در نظام اجتماعی این چنین بیان می‌کنند: کسب مهارت‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی، دسترسی به فرصت‌ها، رهایی از تنش، سلامت جسمانی، کاهش تضاد، ترویج حس وفاداری، شکل‌گیری هویت فردی، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن، اتحاد و انسجام اجتماعی و... می‌باشد (قدیمی، ۱۳۹۵: ۲۸؛ توسلی، ۱۳۹۴). لازمه اجرای مناسب

تربیت‌ورزشی در یک کشور، آشنایی با مولفه‌های مختلف و ابعاد آن واژه تربیتی می‌باشد. در این راستا، مطالعات و تحقیقاتی در داخل و خارج کشور در زمینه‌های مدیریت‌ورزشی و یادگیری حرکتی، روانشناسی و جامعه‌شناسی ورزش تربیتی انجام شده است، هرچند باید اظهار کرد که هنوز این واژه می‌تواند واژه‌ای نو و جدید برای برخی افراد باشد و هنوز تحقیقات بنیادی در زمینه شناسایی ابعاد و عوامل تشکیل دهنده و ساختاری تربیت‌ورزشی در داخل و خارج کشور انجام می‌شود و خواهد شد، این نکته اهمیت شناسایی و تدوین مولفه‌های تربیت‌ورزشی را در مباحث مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی، مدیریت و رفتار حرکتی ورزشی را در کشور برجسته‌تر می‌کند. در کل می‌توان گفت، شناسایی مولفه‌های اجتماعی تربیت‌ورزشی می‌تواند در زمینه‌های فراوانی از جمله: نقش ورزش در نظام آموزشی (بازی جوانمردانه، سلامت و عدالت در همه سطوح ورزش، عدم استفاده ابزاری از ورزشکار و...) داشته‌باشد و خلل‌های تربیتی که عامل اصلی انحرافات اخلاقی و رفتاری در ورزش هستند را پرمی‌کند و نوید یک ورزش سالم‌تر و در خدمت جامعه‌انسانی و اجتماعی را می‌دهد (۱۴) (بلاکریسان^۱، ۲۰۱۵).

بر همین اساس، محقق با توجه به اصول تربیت ورزشی و با پس زمینه نظرات (کنش متقابل نمادی، کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری) به دنبال ارائه مدلی پارادایمی جامع از روابط میان اصول تربیت ورزشی در زمینه‌های اجتماعی، نقش نظریات مربوطه، شناسای شاخص‌های آن، چگونگی نهادینه کردن مناسب یک تربیت‌ورزشی و عوامل تاثیرگذار اجتماعی بر تربیت ورزشی، جهت ارائه به نظام آموزشی-ورزشی کشور می‌باشد.

روش‌شناسی

روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش، کیفی، با پارادایم تفسیری و با روش، داده‌بنیاد (گرند تئوری^۲) است. با توجه به تقسیم‌بندی تحقیقات علمی از نظر هدف، پژوهش حاضر از نوع پژوهش-بنیادی - کاربردی می‌باشد. گراند تئوری را می‌توان به عنوان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که در آن بر اساس داده‌های واقعی و از طریق روشی علمی نظریه‌های بنیادین جدید تدوین می‌شود در این پژوهش از بین رهیافت‌های مختلف نظریه سازی داده‌بنیاد، بر اساس نیاز و روند پژوهش از رهیافت

¹ Blacrisan

² Ground Theory

نظام‌مند^۱ استراوس و کوربین استفاده شده است که در مواردی با رهیافت ظاهرشونده^۲ گلیزر متفاوت است. از ویژگی‌ها و روند این فرایند می‌توان گفت که، برای تدوین نظریه در رابطه با یک پدیده، مجموعه‌ای سیستماتیک از رویه‌ها را به کار می‌گیرد. جامعه‌آماري پژوهش، شامل ۲۰ نفر از افراد متخصص (دکتر) جامعه‌شناسی، رفتار، یادگیری و مدیریت ورزشی بودند، که به شکل انتخابی (هدفمند) و دارای شرایط (مدرک دکترای تخصصی، سابقه فعالیت بصورت مربی، بازیکن یا پست‌های آموزشی) در سطوح بالای تربیت بدنی و ورزش کشور بودند. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری، از روش کتابخانه‌ای (فیش برداری) استفاده شد. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه با افراد متخصص با شرایط ذکر شده بود.

مراحل کدگذاری بصورت ۳ مرحله (اولیه، ثانویه و اختصاصی) انجام گرفت. در مرحله کدگذاری اولیه (باز)، به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها عنوانی داده شد، سپس همه این عناوین در جداولی آورده شدند. که کدهای اولیه بر اساس، تحلیل جمله به جمله یا کدگذاری در سطح پاراگراف به پاراگراف، بعد از اتمام مصاحبه‌ها انجام شد، که نتایج آن شامل ۱۸ کداولیه بود. در گام دوم (کدگذاری ثانویه) در این مرحله کدهای اولیه بدلیل فراوانی آنها، به کدهای ثانویه تبدیل شدند، سپس، چند کد ثانویه تبدیل به کد مفهومی و در نهایت مقولات فرعی ۹ مورد مشخص و ارائه شدند. در گام نهایی (کدگذاری اختصاصی)، در آن فرایند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقات قرار گرفت. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به-عنوان مقوله اصلی قرار دارد و سپس مقولات دیگر به‌عنوان مقوله‌های فرعی به آن ارتباط داده می-شوند. این کار بر اساس مدل پارادیمی که شامل پدیده، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش استراوس و کوربین انجام شد و ۴ مقوله اصلی تایید و مشخص شدند.

همچنین به منظور اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر، از میان سه روش زاویه‌بندی (اجماع/مثلث‌سازی)، کنترل‌اعضا (بررسی توسط اعضا) و ارزیابی بر اساس ۱۰ شاخص "مقبولیت" (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸)، از روش کنترل‌اعضا (کنترل‌اعضا یا اعتبار پاسخگو، تکنیکی است که بدان وسیله محقق یافته‌های خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و

¹ systematic

² emergent

این تکنیک جهت تایید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود، که در دو بخش، تاییدپذیری و اعتبارسنجی مورد بررسی قرار گرفت. فرایند تاییدپذیری توسط مصاحبه‌شوندگان به صورت، ارزیابی چند تن از متخصصان خارج از فرایند پژوهش و با بازبینی و اصلاح بر اساس نظر این متخصصان انجام شد. و فرایند اعتبارسنجی آن نیز، با ارزیابی شرکت‌کنندگان از پژوهش و به شکل ارسال کدهای استخراج شده به سایر شرکت‌کنندگان بود، که نقطه نظر ایشان در اکثر موارد اعمال شد.

یافته‌ها

در این تحقیق به منظور رسیدن به هدف پژوهش (شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت-ورزشی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد)، پس از مطالعات صورت گرفته و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از افراد متخصص (دکترای مدیریت ورزشی، رفتار حرکتی و جامعه‌شناس ورزشی) انجام گرفت. در حالیکه بعد از مصاحبه دهم، تقریباً داده‌ها تکراری بودند و اشباع نظری حاصل شده بود، برای اطمینان و اعتبار بیشتر، این فرایند تا مصاحبه ۲۰ ادامه یافت.

جدول شماره ۱- اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

شاخص	سن		جنسیت		مدرک تحصیلی	سابقه در سطح ملی
	۳۵-۴۵	۴۶-۵۵	زن	مرد		
فراوانی	۷	۱۳	۶	۱۴	۲۰	۴
درصد	۳۵	۶۵	۳۰	۷۰	۱۰۰	۲۰

بعد از جمع‌آوری و تحلیل اولیه مصاحبه‌ها، تعداد ۳۹ کد اولیه شناسایی شد که با حذف برخی کدهای تکراری، تعداد کدهای مستقل باز اولیه ۱۸ کد بود. که در ادامه به ۹ کد باز ثانویه (مقوله فرعی) تبدیل شدند که اساس این فرایند بر پایه نزدیکی معنایی و مفهومی بود. در نهایت بر اساس کدهای باز ثانویه ۴ مقوله اصلی ایجاد شد.

کدگذاری باز (اولیه): در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها عنوانی داده شد، سپس همه این عناوین در جداول زیر آورده شدند. کدهای اولیه بر اساس، تحلیل جمله به جمله یا کدگذاری در سطح پاراگراف به پاراگراف، بعد از مصاحبه‌ها انجام شد، که نتایج آن شامل ۱۸ کد اولیه بود.

جدول شماره ۲- نمونه کدهای اولیه استخراج شده از مصاحبه‌ها

شماره	کد گزارشی اولیه (مصاحبه پانزدهم)
۱	وابستگی، منظور حسی تعلق است که فرد نسبت به گروه یا جامعه دارد.
۲	رویداد نهایی، برگزاری یک رویداد نهایی از مولفه‌های تربیت ورزشی محسوب می‌شود.
۳	استقلال، یکی از مولفه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی بلوغ فردی محسوب می‌شود.
۴	تعاملات اجتماعی، آشنایی با تعاملات و کنش‌های اجتماعی.

۵	فرد محوری، یکی از مولفه‌های تربیت ورزشی که در آن افراد دایره اختیارات بیشتری دارند نسبت به تربیت بدنی.
۶	مسئولیت‌پذیری، احساس مسئولیت و کمک به اجتماعی شدن.
۷	فرد و گروه، آشنایی با نقش‌های فردی و اجتماعی.
۸	تجربه مثبت، یادگیری اجتماعی کنترل شده و علمی.
۹	کار گروهی - تیم محوری، تقویت روحیه کار در قالب گروه (اجتماع).
۱۰	رهبری، حس و تجربه تاثیرگذاری در جمع و لیدر بودن.
۱۱	عزت نفس و اعتماد به نفس، فرایند‌های درونی و بیرونی ارزشمند در زندگی فردی و اجتماعی.
۱۲	توافق، آشنایی و تجربه تصمیم‌گیری در قالب گروه اجتماع
۱۳	تطبیق، انطباق مولفه‌های تربیت ورزشی با مولفه‌های فرهنگی و هنجاری.
۱۴	لذت بخشی و نشاط، یکی از مولفه‌های تربیت ورزشی و سلامت اجتماعی.
۱۵	مولفه‌های تعلیم و تربیت، شناسایی، توسعه و بکارگیری ارزش‌های تعلیم و تربیت در قالب ورزش.
۱۶	انگیزش، تقویت مولفه روانشناختی و جامعه‌شناختی موثر در پویایی و پیشرفت اجتماعی.
۱۷	مشارکت، با شرکت فعال اکثریت همراه می‌شود.
۱۸	مخالفت، تقویت یک مهارت اجتماعی-فرهنگی، که میتواند در صورت آگاهی، نقش مثبت داشته باشد.

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات فرعی: در این مرحله کدهای اولیه بدلیل فراوانی آنها، به کدهای ثانویه تبدیل شدند، سپس چند کد ثانویه تبدیل به کد مفهومی شدند. در نهایت مقولات فرعی (۹ مورد) مشخص و ارائه شدند.

جدول شماره ۳ - کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات

مقولات فرعی	فراوانی	کدهای باز
احساس تعلق به اجتماع	۱۲	حسی تعلق فرد نسبت به گروه یا جامعه نقش‌پذیری و آشنایی با خصوصیات نقش‌های اجتماعی
تقویت حسن مشارکت	۱۳	کار گروهی - تیم محوری شرکت فعال که با اکثریت همراه باشد
همسو بودن با اجتماع	۱۴	آشنایی با تعاملات اجتماعی آشنایی با کنش‌های اجتماعی
اجتماعی شدن صحیح	۱۱	آشنایی با نقش‌های فردی و اجتماعی سرگرمی و فعالیت کنترل‌شده و مثبت اجتماعی
مهارت نه گفتن	۱۳	تقویت یک مهارت اجتماعی - فرهنگی
قدرت تجزیه و تحلیل شرایط	۱۲	استقلال فردی و اجتماعی - خودباوری و تقویت اراده
کمک به استقلال فردی	۱۱	فردمحوری
انتخاب درست در جمع	۱۳	تجربه تصمیم‌گیری در قالب گروه و اجتماع
مولفه‌های تاثیرگذار در گروه	۱۵	احساس مسئولیت و کمک به اجتماعی شدن - وفاداری

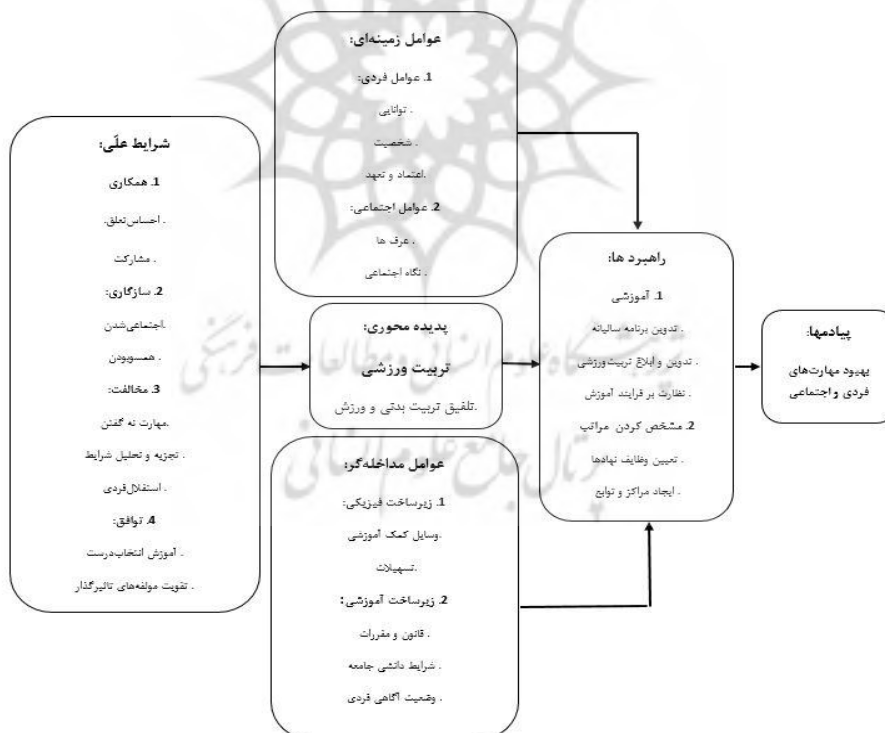
کدگذاری اصلی (اختصاصی): این مرحله بعدی پژوهش محسوب می‌شود و در آن فرایند ارتباطی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقات قرار می‌گیرد. کدگذاری

محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله اصلی قرار دارد و سپس مقولات دیگر به عنوان مقوله‌های فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. این کار بر اساس مدل پارادیمی که شامل پدیده، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش استراوس و کوربین انجام شد. جزئیات این فرایند در شکل شماره یک آورده شده است.

جدول شماره ۴ - شکل‌گیری مقولات اصلی از مقولات فرعی

طبقه	مقولات اصلی	مقولات فرعی
جامعه‌شناسی اجتماعی شدن	همکاری	احساس تعلق - مشارکت
	سازگاری	اجتماعی‌شدن - همسو بودن
جامعه‌شناسی	مخالفت	مهارت نه گفتن - تجزیه و تحلیل شرایط - استقلال فردی
مهارت‌های فردی	توافق	آموزش انتخاب درست - تقویت مولفه‌های تاثیرگذار

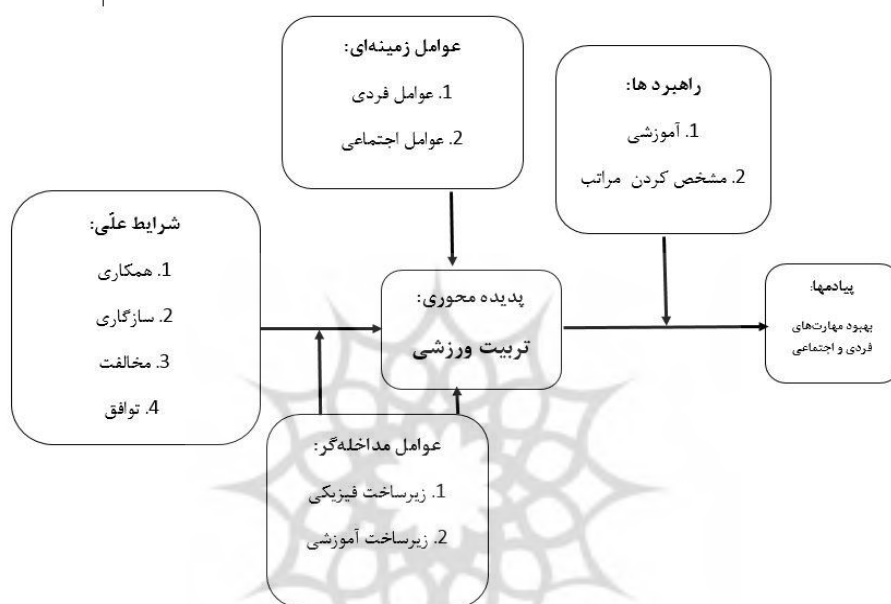
برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید بطور منظم به همدیگر مرتبط شوند. پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چهارچوب مدل پارایم را بصورت روایتی عرضه می‌کند و یا مدل پارادایم را بهم ریخته و بصورت ترسیمی از نظریه‌نهایی نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱ - مدل پارادایمی بر اساس کدگذاری محوری

۱۰۴.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

در ادامه با استفاده از روش کدگذاری انتخابی (اختصاصی)، به طراحی الگوی نهایی تربیت ورزشی و مولفه‌های جامعه‌شناسی آن که شامل ۴ مقوله نهایی بود پرداخته شد، که نتایج آن در شکل شماره دو ارائه شده است.



شکل شماره ۲ - مدل نهایی تربیت ورزشی

مدل نهایی، همچنان که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است، حاکی از شرایط علی، همکاری (تعامل و مشارکت فعال اجتماعی)، سازگاری (توانایی و استعداد در قالب گروه بودن)، مخالفت (یک مهارت اجتماعی - فرهنگی، که می‌تواند در صورت آگاهی، نقش مثبت داشته باشد) و توافق (آشنایی و تجربه تصمیم‌گیری در قالب گروه و اجتماع)، عوامل زمینه‌ای، فردی (شخصیت، استقلال، منیت) و اجتماعی (شرایط، امکانات ارتباطی، بایدها) و عوامل مداخله‌گر، زیرساخت فیزیکی (تسهیلات، جو و شرایط) و زیرساخت آموزشی (کیفیت آموزش، دسترسی، تخصص) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه صحیح از یافته‌ها یکی از ارکان اصلی یک پژوهش است. نظریه داده‌بنیاد را می‌توان به عنوان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که در آن براساس داده‌های واقعی و از طریق روشی علمی نظریه‌های

بنیادین جدید تدوین می‌شود. محقق در این پژوهش به دنبال، شناسایی و تایید مولفه‌های جامعه-شناختی تربیت‌ورزشی و ارائه مدلی جامع از روابط میان اصول جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی، از طریق نظریه داده‌بنیاد بود. بر اساس تحلیل داده‌ها و بر مبنای نظریه داده‌بنیاد و رسیدن به اشباع نظری، چهار اصل کلی از اصول تربیت ورزشی از منظر جامعه‌شناسی (۴ اصل)، دو اصل اجتماعی شدن همکاری و سازگاری و دو اصل مهارت‌های فردی، مخالفت و توافق) شناسایی و تایید شد. بخش جامعه‌شناسی اجتماعی شدن شامل، اصل همکاری (جریانی است که در آن افراد و گروه‌ها برای تحقق اهداف مشترک و عمومی، فعالیت‌ها و اقدامات خود را متحد کرده و از کمک یکدیگر بهره‌مند می‌شوند). و اصل سازگاری اجتماعی (روابط افراد و گروه‌های مختلف به گونه‌ای تنظیم و برقرار می‌شود که رضایت همه یا حداقل اغلب افراد تامین شود. این سازگاری تا حدودی تابع، آموزش، آداب و رسوم، قوانین و مقررات و هنجارهای حاکم بر جامعه است). این دو اصل برگرفته از ۹ مورد، مقولات اولیه (وابستگی، نقش‌پذیری اجتماعی، آشنایی با نقش‌های اجتماعی و خصوصیات آنها، کار گروهی، تیم‌محوری، مشارکت اکثریت، آشنایی با تعاملات و کنش‌های اجتماعی فرد و گروه، نقش‌های فردی و اجتماعی، سرگرمی مثبت و کنترل شده) و در ادامه ۴ مورد، مقولات فرعی (احساس تعلق به اجتماع، تقویت حس مشارکت، همسو بودن با اجتماع و اجتماعی شدن صحیح) بدست آمدند. که نتایج این بخش با یافته‌های: مجموعه پژوهش‌های تجاری و همکاران (۱۳۹۴) و پژوهش، کنیون و مک فرسون (۱۹۷۳) همخوانی داشت. همچنین این نتایج با پژوهش آمارا^۱ (۲۰۱۳) در بخش (مخالفت) همخوانی نداشت! اما با مولفه توافق همخوانی داشت. در بخش جامعه‌شناسی اجتماعی شدن (سازگاری) با یافته‌های بگرفته از مطالعات توسلی (۱۳۸۶) اختلافاتی داشت. همچنین این بخش با مجموعه مطالعات سایدنتاپ (۲۰۱۴)، در مورد تربیت ورزشی همخوانی داشت. این بخش با مطالعات دین‌هایم و مک‌فیل^۲ (۲۰۱۷)، و نظریات نظم اجتماعی^۳ جامعه‌شناس مشهور دورکیم (۱۹۲۲) و مجموعه کتاب‌های ورزش در اجتماع دکتر قدیمی (۱۳۸۹) نزدیک بود. باید گفت که تدوین و اجرایی کردن این دو اصل در محیط‌های ورزش‌تربیتی کشور باعث تقویت کار گروهی، تیم‌محوری، کاهش تنش گروهی، مشارکت در سطح بالا، کنش‌های

¹ AMARA

² Deenihan and Macphil

³ Social order

اجتماعی مناسب و... می‌باشد که با مجموعه نظریه‌های نظم اجتماعی امیل دورکیم (به نظر او بی-نظمی‌های اجتماعی جزء ضروری جهان نوین نبود و این امکان وجود داشت که آنها را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد)، هم‌راستا می‌باشد. از طرفی آموزش و پیاده‌سازی هر کدام می‌تواند در سایر محیط‌های اجتماعی بسیار زمان‌بر و هزینه‌بردار باشد که این امر به سهولت و با کمترین هزینه قابل برنامه‌ریزی و اجرا در بخش ورزش تربیتی کشور است.

بخش جامعه‌شناسی مهارت‌های فردی که شامل، اصل مخالفت یا نپذیرفتن (به واکنشی اطلاق می‌شود که فرد بوسیله آن از شرایط و عوامل مشخصی برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کند) و اصل توافق (ارتباطات میان افراد بمنظور جلوگیری از تقلیل یا از بین رفتن، تغییر پیدا می‌کند و سازش توسعه میابد). این دو اصل نیز برگرفته از ۹ مورد، مقولات اولیه (مهارت اجتماعی-فرهنگی، آگاهی، استقلال، بلوغ فردی-اجتماعی، خودباوری، تقویت اراده، فردمحوری، مسئولیت‌پذیری، وفاداری و احساس تعلق به گروه یا اجتماع) و در ادامه ۵ مورد، مقولات فرعی (مهارت نه گفتن، قدرت تجزیه و تحلیل شرایط، کمک به استقلال فردی، انتخاب درست در جمع و تقویت موافقه‌های تاثیرگذار و مثبت در موفقیت گروه) بدست آمدند. که نتایج این بخش با یافته‌های: مجموعه پژوهش‌های تجاری و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشت اما با پژوهش، کنیون و مک فرسون (۱۹۷۳) همخوانی نداشت. همچنین این نتایج با پژوهش آمارا (۲۰۱۳) همخوانی داشت. در این بخش با مجموعه مطالعات سایدنتاپ (۲۰۱۴)، در مورد تربیت ورزشی، در مبحث مخالفت همخوانی داشت اما در بخش توافق تفاوت‌های وجود دارد. این بخش با مطالعات دین هایم و مک فیل (۲۰۱۷)، نزدیک بود اما بصورت کامل منطبق نبود. همچنین با نظریات امیل دورکیم نیز تا حدودی فاصله دارد. اما با مجموعه کتاب-های ورزش در اجتماع دکتر قدیمی (۱۳۸۹) و همچنین با مجموعه پژوهش‌های خبیری و همکاران (۱۳۸۵) در و سجادی (۱۳۹۰)، نزدیک بود و در سطح بالایی همخوانی داشت. همچنین تدوین و نهادینه‌شدن این دو مولفه در جامعه نیز می‌تواند باعث، استقلال فکری و قدرت انتخاب افراد در زندگی فردی و محیط‌های اجتماعی شده که در راستای، نقد برخی از جامعه‌شناسان از جمله اروین گافمن^۱ و ژان بوردیاری^۲ در تحلیل نقش‌های اجتماعی و عدم استقلال آنها و باهم-نگری (نظریه ظروف پلاستیک بوردیاری، اشاره به عدم استقلال در تفکر فردی دارد و باهم‌نگری یا

^۱ Erving Goffman

^۲ Jean Baudrillard

همراهی با جمع بدون آگاهی صحیح در مورد موضوعات اجتماعی را شامل می‌شود) اجتماعی افراد باشد.

عوامل و ابعاد دیگری از تربیت‌ورزشی نیز مورد بحث و تایید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت که شامل، عوامل مداخله‌گری مانند، زیرساخت فیزیکی (شامل، وسایل کمک آموزشی، تسهیلات و امکانات مورد نیاز) و زیرساخت آموزشی (شامل، قانون و مقررات مربوطه، شرایط دانشی جامعه، وضعیت آگاهی فردی و سایر موارد مشابه) هستند که نقشهای تاثیرگذاری در پیاده‌سازی تربیت ورزشی در اجتماع بازی می‌کنند. همچنین عوامل زمینه‌ای مانند، عوامل فردی (شامل، توانایی و استعداد افراد، تیپ‌های شخصیتی، اعتماد و تعهد) و عوامل اجتماعی (شامل، ارزش‌ها و عرف‌ها جامعه، دیدگاه و نگاه اجتماعی به موضوع) که از جمله عوامل اساسی در تدوین و اجرایی کردن مولفه‌های تربیت‌ورزشی به حساب می‌آیند. تدوین، اجرایی کردن و توسعه تربیت‌ورزشی و نهادینه کردن آن در ورزش آموزشی کشور علاوه بر توجه به عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به تدوین برنامه‌های مدون و مکتوب، مدیریت منابع انسانی و مدیریت مناسب در سطح اجرایی آن می‌باشد، بر همین اساس توجه به راهبردهای زیر ضروری به نظر می‌رسد.

- تدوین برنامه سالیانه، لازمه اجرایی و عملیاتی شدن واژه تربیت‌ورزشی یک فرایند زمانبر و طولانی مدت است.
- ابلاغ سرفصل‌ها تربیت‌ورزشی و ترتیب و اولویت‌بندی، گام بعدی در اجرایی شدن این فرایند بحساب می‌آید.
- نظارت بر فرایند آموزش تربیت‌ورزشی امری ضروری است که باید به شکل صحیح و دقیق زیر نظر گرفته شود.
- میزان مسئولیت و مشخص کردن مراتب امر در واحدهای صنفی و ستادی امری مهم محسوب می‌شود.
- تعیین وظایف نهادهای مربوطه، باید کل فرایند روشن و دقیق سیاست‌گذاری شود.
- روند کار باید با همراهی و شرکت فعال مشاوران جامعه‌شناس و مسلط بر امر آموزشی جامعه همراه باشد.

• ایجاد مراکز و توابع، بمنظور و سهولت در روند اجرایی کردن تربیت‌ورزشی در جامعه باید مراکز و زیرمجموعه‌های امر مشخص باشند. که در نهایت، با پیاده‌های در هر دو بعد، بهبود مهارت-های فردی و اجتماعی همراه باشد.

بطور کلی باید گفت که، رشد تربیت‌ورزشی یا به عبارتی ورزش تربیتی می‌توان گپ یا شکاف میان دو واژه تربیت‌بدنی و ورزش را کاهش دهد و تلفیق این دو در یک قالب که مورد نظر و بحث روز اندیشمندان این عرصه می‌باشد باعث رشد و شکوفایی در هر دو بخش تربیت‌بدنی و ورزش-آموزشی کشور می‌شود. زیرشاخه‌ها و موضوعات مختلفی در بحث ورزش تربیتی مطرح و تاثیر گزار هستند، که از این میان می‌توان به جامعه‌شناسی ورزش اشاره کرد که پژوهش حاضر، یکی از مباحث بنیادی این بخش را مورد تحقیق قرار داد و عواملی از آن را شناسایی و تایید کرد. شناسایی مولفه‌های جامعه‌شناختی ورزش تربیتی می‌تواند، تکمیل‌کننده علوم مدیریت ورزشی، روانشناسی ورزشی و رشد و یادگیری حرکتی در ورزش تربیتی باشد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود، تحقیقات بیشتری در بخش شناسایی ابعاد تربیت‌ورزشی و نقش آن در ورزش تربیتی (آموزشی) کشور انجام شود، مثلاً شناسایی مولفه‌های توسعه فرهنگی، تحولات فرهنگی، ارتقا فرهنگی، مولفه-های اعتقادی و ملی جامعه‌شناسی تربیت ورزشی انجام داد.

منابع

- اشراقی، ا. محمدی، ص. (۱۳۹۶). نقش ورزش در جامعه. انتشارات جامعه‌شناسان. ص ۱۰۳-۱۰۷.
- تجاری، ف و همکاران. (۱۳۹۸). اصول و فلسفه تربیت بدنی و ورزش. اصفهان: آسمان نگار.
- توسلی، غ (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم. ص ۲۱-۳۳.
- دلاور، ع (۱۳۹۰). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی، تهران، انتشارات رشد، چاپ سوم. ص ۸۶.
- قدیمی، ب. (۱۳۹۴). اصول و مکاتب جامعه‌شناسی ورزش. انتشارات جامعه‌شناسان. ص ۱۶-۱۹، ۲۲-۲۸، ۵۴-۶۹، ۷۱-۷۸.
- قدیمی، ب. (۱۳۹۵). ورزش در جامعه ۱ و ۲. تهران، انتشارات بامداد کتاب.
- معیدفر، س. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. همدان: انتشارات نورعلم. ص ۲۷۳.
- ABE, I. and MANGAN, J.A. (2015). The British impact on boys' sports and games in Japan: an. International journal of the history of sport, 14(2), pp. 187-199.
- AL-TUMAS, M. (2014). Olympic Solidarity: Global Order, the Diffusion of Modern Sport and the Hegemony of the Olympic Movement, Loughborough University Editor.

- AMARA, M., AL-TAUQI, M. and HENRY, I.P. (2013). Sport, Arab Nationalism and the Pan Arab Games. *International Review for the Sociology of Sport*, 38(3), pp. 295-310.
- AN, M. (2015). The Golf Boom in South Korea: Serving Hegemonic Interests. *Sociology of Sport Journal*, 9(4), pp. 372-384.
- APPADURAI, A. and ALBROW, M. (2011). Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization. *The American journal of sociology*, 103(5), p. 1411.
- BERNSTEIN, A. (2010). Things you can see from there you can't see from here. *Journal of Sport & Social Issues*, 24(4), pp. 351-369.
- BOURDIEU, P. (1988). Program for a Sociology of Sport. *Sociology of Sport Journal*, 5, pp. 153-161.
- Chatziefstathiou, D. (2016). The Changing Nature of the Ideology of Olympism in the Modern Olympic Era. A Doctoral Thesis, Submitted in partial fulfilment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy of Loughborough University.
- Deenihan, J., Macphil. A. (2017). The influence of organizational socialization in preservice Teachers Delivery of sport education. *Human kinetics Articles, journal of teaching pgysical education*, 36, 477-484.
- EICHBERG, H. (2014). Olympic Sport: Neo-colonialism and alternatives. *International Review for the Sociology of Sport*, 19, pp. 97-105 .
- GUTTMANN, A. (2005). Sports diffusion: A response to Maguire and the Americanization commentaries. *Sociology of Sport Journal*, 8, pp. 185-190.
- HARVEY, J. and HOULE, F. (2016). Sport, World Economy, Global Culture, and New Social Movements. *Sociology of Sport Journal*, 11, pp. 337-355.
- HOULIHAN, B. (2007). Homogenization, Americanization, and Creolization of Sport: Varieties of Globalization. *Sociology of Sport Journal*, 11, pp. 356-375 .
- LEWIS, P.A. (2014). Realism, causality and the problem of social structure. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 30(3), pp. 249-268.
- MERKEL, U. (2016). The Hidden Social and Political History of the German Football Association (DFB), 1900-50. *Soccer and Society*, 1(2), pp. 167-186.
- Sidentop, D., Hastil, PA., Mas.H. (2014). *Compelete guide to sport education*. second edition, pp. 18-55-123-206.